

# کتاب سواد خواندن

علیرضا حاجیان زاده

در جامعه ما کتاب مهم‌ترین منبع سواد خواندن است. هر چند فرهنگ عمومی در چارچوب فرهنگ شفاهی شکل گرفته است، اما فرهنگ آموزش رسمی و یادگیری عمیق در کشور ما همچنان مکتوب است. در ایران میزان سواد شاخص دانایی را با کتاب می‌سنجند. باسوادان جامعه اصولاً آدم‌های کتابخوان هستند و کسی باسواد تلقی می‌شود که اول معلوم شود چه قدر اهل مطالعه است. این امر سنگ بنای خوبی برای نظام تعلیم و تربیت کشور است؛ هر چند که در دهه گذشته، درباره تغییر نظام و روش‌های آموزشی و ضرورت جایگزینی آموزش‌های الکترونیک و شوق بی‌حد در ورود به فضاهای مجازی، غوغا به راه افتاد، اما اکنون با فرو نشستن آن التهاب‌ها و اشتیاق‌ها، بیش از پیش معلوم شده است که هیچ چیز جای کتاب را در نظام آموزشی پر نمی‌کند.

هنوز هم رابطه افراد با کتاب، جایگاه بی‌نظیری در ایجاد و عمق بخشیدن به سواد خواندن دارد. جسمانیت کتاب به اندازه معلومات آن، در انتقال دانایی اهمیت دارد. داشتن کتاب به اندازه خواندن کتاب در ایجاد دانایی سهمیم است. اگرچه فرایند آموزشی و نظام تعلیم و تربیت در انحصار و محدود به کتاب نیست، اما به همان اندازه در شکل‌گیری و تحکیم و توسعه دانش و سواد خواندن نقش دارد. انتخاب کتاب مناسب و توجه به اندازه، طرح، رنگ، تصویرسازی، نوع چاپ، اندازه قلم و فرصت‌هایی که با ایجاد فضای سپید برای تأمل و اندیشیدن به وجود می‌آورد، در شکل دادن به دانش اهمیت دارند. اگر کتاب کلام مکتوب است، آنچه پیش‌تر گفته شد، لحن آن کلام است و کیست که نماند، کلام و معنای آن را، از لحن آن و الحانی که از آن به گوش می‌رسد، می‌توان دریافت.

همان قدر که حضور جسمانی انسان در دوستی‌ها ضرورت دارد، حضور جسمانی کتاب هم در توسعه دانایی نقش بی‌نظیری ایفا می‌کند. دادن نقش در این راستا مهم است. ایفای چنین نقشی، از لحاظ ساختاری منوط به ایجاد کتابخانه‌های مدرسه‌ای و کلاسی است و از نظر نرم‌افزاری و برنامه‌ای، بستگی تامی به این موضوع دارد که در برنامه‌های کلاسی، فضاها و فرصت‌های مناسبی برای کتابخوانی و نقد کتاب فراهم شود. باید فضایی ایجاد کرد تا کتاب در نظام آموزشی، امکان تنفس و زندگی کردن را بیابد.

